



تأثير واكها و همخوانهاى فارسى در كويش عاميانه عراقى

أ.م.د. اياد محمد حسين الشبيب^{1*}

دانشگاه بابل، مركز بابل برائى مطالعات تمدنى وتاريخى، العراق

چكیده :

زبان ، ميدانى غنى است كه تعامل فرهنگى و تمدنى ميان ملت ها را بازتاب مى دهد، زيرا زبان ها تحت تأثير عوامل تاريخى و اجتماعى گوناگون قرار گرفته و در هم مى آميزند. در عراق، كويش عاميانه عراقى در نتيجه تاريخ طولانى تعامل با زبان ها و تمدن هاى همجوار، از جمله زبان فارسى ، شكل گرفته است. واكها و همخوانها، به عنوان عناصر اساسى ساختار آوايى زبان، نقش مهمى در اين تعامل ايفا كرده اند و بر تلفظ واژگان و تكامل نظام آوايى كويش عراقى تأثير گذاشته اند. تأثير زباني فرابندى پويا است كه در آن نظام آوايى و واژگان ميان زبان هاى مختلف در هم تنيده مى شود و عمق روابط تاريخى و فرهنگى ميان ملت ها را منعكس مى كند. زبان فارسى كه ريشه هاى آن به هزاران سال پيش مى رسد، به دليل نزديكى جغرافيايى و تعاملات سياسى و فرهنگى، تأثير آشكارى داشته است. اما زبان مندائى يكي از منابع اصلى آوايى كويش عراقى به شمار مى رود و از كهن ترين زبان هاى سامى است كه در عراق استقرار يافته است. اين زبان با باورها و فرهنگ صابئين مندائى پيوند خورده و همين امر موجب شده است كه در شكل گيرى ويژگى هاى زباني خاصى در محيط زباني عراق نقش آفرين باشد.

اين پژوهش بر آن است تا تأثير واكها و همخوانهاى فارسى و مندائى (به عنوان بخشى از محيط زباني عراق) را بر كويش عاميانه عراقى بررسى كند و با تحليل ويژگى هاى آوايى مشترك و متفاوت، چگونگى بازتاب اين تأثير بر واژگان و تلفظ را روشن سازد. همچنين، در پى شناسايى عوامل تاريخى و اجتماعى مؤثر در اين تعامل زباني است تا تصويرى عميق تر از تحول كويش عاميانه عراقى به عنوان آيينه هاى از تاريخ و تعامل فرهنگى ارائه دهد.

الكلمات المفتاحية: واكها ، همخوانها، زبان فارسى، كويش عراقى ، زبان مندائى.

أثر الصوائت والصوامت الفارسية في العامية العراقية

أ.م.د. اياد محمد حسين الشبيب^{1*}

جامعة بابل، مركز بابل للدراسات الحضارية والتاريخية ، العراق

المخلص:

تُعد اللغة ميداناً غنياً يعكس التفاعل الثقافي والحضاري بين الشعوب، حيث تتأثر اللغات وتتداخل بفعل عوامل تاريخية واجتماعية مختلفة. في العراق، تشكلت العامية العراقية كنتاج لتاريخ طويل من التفاعل مع لغات وحضارات مجاورة، من بينها اللغة الفارسية. وقد لعبت الصوائت والصوامت، باعتبارها عناصر أساسية في البنية الصوتية للغة، دوراً مهماً في هذا التفاعل، مما أثر على نطق المفردات وتطور النظام الصوتي للعامية العراقية. ويشير التأثير اللغوي إلى عملية ديناميكية يتداخل فيها النظام الصوتي والمفردات بين اللغات المختلفة، ما يعكس عمق العلاقات التاريخية والثقافية بين الشعوب.

فاللغة الفارسية، التي تمتد جذورها إلى آلاف السنين، كانت ذات تأثير واضح بفعل القرب الجغرافي والتفاعل السياسي والثقافي. أما اللغة المندائية فهي واحدة من المصادر الصوتية الرئيسية لهجة العراقية، تُعد من أقدم اللغات السامية التي استقرت في العراق، وارتبطت بمعتقدات وثقافة الصابئة المندائيين، مما جعلها تسهم في تشكيل ملامح لغوية خاصة في البيئة العراقية.

تهدف هذه الدراسة إلى بيان أثر الصوائت والصوامت الفارسية والمندائية (التي هي جزء من البيئة اللغوية العراقية) في العامية العراقية، من خلال تحليل الخصائص الصوتية المشتركة والمتباينة بينهما، والبحث في كيفية انعكاس هذا التأثير على المفردات والنطق. كما تسعى إلى تحديد العوامل التاريخية والاجتماعية التي

* Email address: iyad.alshammari4@uobabylon.edu.iq

ساهمت في هذا التداخل اللغوي ، لتقديم صورة أعمق عن تطور العامية العراقية باعتبارها مرآة للتاريخ
والتفاعل الثقافي.

الكلمات المفتاحية: الصوائت ، الصوامت ، اللغة الفارسية ، اللهجة العراقية ، اللغة المندائية .

The Impact of Persian Vowels and Consonants on Iraqi Vernacular

Asst. Professor Dr. Ayad M. Hussain^{1*}

¹Ministry University of Babylon , Babylon Center For Cultural and Historical
Studies, Iraq

Abstract:

Language is a rich domain that reflects the cultural and civilizational interaction between peoples, as languages influence and intertwine due to various historical and social factors. In Iraq, Iraqi vernacular has emerged as a result of a long history of interaction with neighboring languages and civilizations, including Persian . Vowels and consonants, as fundamental elements of phonetic structure, have played a significant role in this interaction, affecting pronunciation and shaping the phonological system of Iraqi vernacular. Linguistic influence represents a dynamic process in which phonetic systems and vocabulary intertwine across different languages, reflecting the depth of historical and cultural ties between peoples.

Persian, with roots stretching back thousands of years, has exerted a clear influence due to geographic proximity and political and cultural interaction. Mandaic, one of the oldest Semitic languages to have settled in Iraq, is deeply linked to the beliefs and culture of the Mandaean Sabians, contributing to distinct linguistic features within the Iraqi linguistic landscape.

This study aims to explore the impact of Persian and Mandaic (which is part of the linguistic environment of Iraq) vowels and consonants on Iraqi vernacular by analyzing their shared and divergent phonetic characteristics and investigating how this influence manifests in vocabulary and pronunciation. It also seeks to identify the historical and social factors that contributed to this linguistic interweaving, offering a deeper understanding of the evolution of Iraqi vernacular as a reflection of history and cultural interaction.

Keywords: Vowels , Consonants, Persian Language, Iraqi Dialect, Mandaic Language.

مسئله‌ی پژوهش :

چگونه بسیاری از واژگان فارسی توانسته‌اند وارد فضای زبانی و محیط لهجی عراقی شوند و در آن رایج گردند؟ بلکه به بخشی جدایی‌ناپذیر از آن تبدیل شده‌اند؟

- هدف پژوهش :

هدف این پژوهش بررسی کوچکترین واحد آوایی در واژه ، یعنی مصوت‌ها (واکه‌ها و همخوان‌ها) ، و تبیین نقش آن‌ها در فرایند انتقال واژگان فارسی و نیز علل ورود آن‌ها به لهجی عراقی است.

- اهميت پژوهش :

لهجی عراقی از جمله لهجه‌هایی است که تعیین ریشه‌ی واژگان رایج در آن دشوار است، زیرا واژگان بیگانه‌ی بسیاری از زبان‌های دیگر (چه باستانی و چه نوین و همجوار) وارد آن شده‌اند. از این‌رو، بررسی تأثیر واژه‌ها که کوچک‌ترین واحد آوایی در واژه به‌شمار می‌روند، می‌تواند در شناسایی عواملی که موجب ورود این واژگان به محیط زبانی این منطقه شده‌اند، یاری‌رسان باشد. همچنین بررسی عوامل دیگر ایجادکننده‌ی این تنوع آوایی در این لهجه، به‌ویژه واژگان فارسی، اهمیت دارد. بی‌تردید، این بررسی در فرآیند ریشه‌یابی زبانی که پژوهشگران لهجی عراقی با آن روبه‌رو هستند، سودمند خواهد بود.

- روش بحث :

این پژوهش بر روش زبان‌شناسی تطبیقی میان مصوت‌های فارسی و مندایی و چگونگی کاربرد و تأثیر آن‌ها در لهجی عراقی استوار است. همچنین با بهره‌گیری از واژگان موجود در این زبان، به تبیین این تأثیر پرداخته شده است.

- پیشگفتار :

زبان نه‌تنها ابزاری برای تبدیل افکار به واژه‌ها و بیان احساسات، اندیشه‌ها و نیازهای انسان است، بلکه پلی است که فرهنگ‌های گوناگون را به یکدیگر پیوند می‌دهد و نقش بسزایی در تقویت تفاهم میان ملت‌ها و مستندسازی تعاملات فرهنگی ایفا می‌کند. در عراق، زبان همواره نقشی محوری در شکل‌گیری هویت ملی و فرهنگی داشته است، و گویش عامیانه عراقی در گذر زمان، تحت تأثیر تعاملات گسترده با زبان‌های همجوار، از جمله فارسی، دستخوش تغییر و تحول شده است.

این تعامل زبانی، صرفاً در حد تبادل واژگان نبوده، بلکه فرآیندی پیچیده از درهم‌آمیختگی فرهنگی و زبانی را در بر داشته است؛ به‌گونه‌ای که الگوهای آوایی نوین و شیوه‌های متفاوت بیان، به گویش عامیانه عراقی راه یافته و بر تلفظ واژگان و تکامل نظام آوایی آن تأثیر گذاشته‌اند. مطالعه این تأثیرات نشان می‌دهد که زبان، فراتر از ابزاری ارتباطی، همچون سندی زنده از تاریخ فرهنگی و اجتماعی یک ملت عمل می‌کند. عراق، در طول تاریخ دیرینه خود، پیوسته در معرض تأثیرات تمدنی امپراتوری‌های همسایه بوده است. زبان فارسی، بواسطه سلطه سیاسی و فرهنگی امپراتوری‌های بزرگی همچون هخامنشیان و ساسانیان و در دوره‌های بعد، همچون آل بویه، تأثیری چشمگیر بر زبان مردم این سرزمین برجای گذاشته است. بسیاری از واژگان فارسی، به‌ویژه در حوزه‌های زندگی روزمره مانند خوراک، پوشاک و روابط اجتماعی، به گویش عامیانه عراقی راه یافته‌اند. در کنار زبان فارسی، زبان مندایی نیز از جایگاهی ویژه برخوردار است. این زبان، که زبان آیینی صابئین مندایی محسوب می‌شود، یکی از کهن‌ترین زبان‌های سامی است که از دیرباز در جنوب عراق رواج داشته و از رهگذر حضور دیرینه این جامعه در منطقه، بر گویش عامیانه عراقی تأثیرگذار بوده است. اثر زبان مندایی را می‌توان در برخی اصطلاحات و ویژگی‌های آوایی گویش‌های جنوبی عراق مشاهده کرد.

این تعامل میان فارسی، گویش عامیانه عراقی و مندایی (به‌عنوان بخشی از محیط زبانی عراق و قدیمی‌ترین زبان سامی-آرامی عراقی است که هنوز هم رایج و کاربردی است)، گواهی بر عمق پیوندهای فرهنگی در این سرزمین

است؛ سرزمینی که در آن، این سه زبان در بسترهای اجتماعی و سیاسی درهم تنیده‌ای با یکدیگر تعامل داشته‌اند و به خلق هویتی زبانی یگانه در گویش عامیانه عراقی انجامیده‌اند.

مهاجرت‌ها نیز نقشی کلیدی در انتقال واژگان و تأثیرات آوایی میان ملت‌ها ایفا کرده‌اند. مهاجرت قبایل فارسی زبان به عراق، چه به دلایل سیاسی و چه به انگیزه‌های اقتصادی، بستری برای ورود عناصر زبانی فارسی به گویش محلی فراهم کرد. از سوی دیگر، عراق که همواره نقطه‌ای استراتژیک در مسیرهای تجاری شرق و غرب بوده، از رهگذر دادوستدهای گسترده، بستری مناسب برای تعاملات زبانی میان ساکنان خود و مردمان همجوار ایجاد کرده است. دین نیز از دیگر عوامل اثرگذار بر تحول گویش عامیانه عراقی به‌شمار می‌آید. با گسترش اسلام، عراق به یکی از مهم‌ترین مراکز تمدنی جهان بدل شد، و در برخی ادوار، زبان فارسی به‌عنوان زبان اداری و ادبی، تأثیری قابل‌توجه یافت. در عین حال، زبان مندایی نیز به‌عنوان زبانی آیینی، برخی واژگان و الگوهای آوایی خاص خود را به گویش عامیانه عراقی وارد کرده است.

واکه‌ها و همخوان‌ها، به‌عنوان عناصر بنیادین هر زبان، ساختار آوایی و نظام صوتی آن را شکل می‌دهند. بررسی این عناصر در گویش عامیانه عراقی، امکان شناخت چگونگی تحول تلفظ و میزان تأثیر زبان‌های دیگر بر نظام آوایی محلی را فراهم می‌سازد. برای نمونه، تحلیل واکه‌های فارسی در گویش عامیانه عراقی نشان می‌دهد که چگونه برخی از الگوهای آوایی فارسی به نظام تلفظی این گویش راه یافته‌اند. در همین راستا، مطالعه همخوان‌های مندایی نیز می‌تواند تأثیرات آوایی این زبان را بر گویش عامیانه عراقی، به‌ویژه در لهجه‌های جنوبی، روشن سازد. چنین پژوهش‌هایی به درک بهتر فرآیند تکامل گویش عامیانه عراقی، که حاصل تعاملات تاریخی طولانی‌مدت میان فرهنگ‌های مختلف است، کمک می‌کنند.

بررسی تأثیر واکه‌ها و همخوان‌های فارسی در گویش عامیانه عراقی، فراتر از یک پژوهش زبانی، تلاشی برای کشف زوایایی از تاریخ فرهنگی و اجتماعی عراق است. با شناخت این تعاملات زبانی، می‌توان به درک عمیق‌تری از چگونگی شکل‌گیری هویت زبانی مردم عراق دست یافت و پرده از پیوندهای تمدنی دیرینه‌ای که این سرزمین را به یکی از مهم‌ترین مراکز فرهنگی در طول تاریخ بدل کرده است، برداشت.

مبحث نخست

اولاً / واکه‌ها و همخوان‌ها و اهمیت آن‌ها در آواشناسی
آواشناسی یکی از شاخه‌های اساسی در مطالعه زبان است که بر تحلیل آواهای زبانی و چگونگی تولید و انتقال آن‌ها تمرکز دارد. در این حوزه، آواها به دو دسته اصلی تقسیم می‌شوند: واکه‌ها و همخوان‌ها، که اساس شکل‌گیری واژگان و تفسیر معانی آن‌ها در هر زبانی را تشکیل می‌دهند.

- تعریف واکه‌ها :

واکه‌ها آواهایی هستند که بدون هیچ‌گونه انسداد یا مانعی در مسیر جریان هوا هنگام عبور از دستگاه صوتی تولید می‌شوند، به‌طوری‌که "واکه‌ها زمانی تولید می‌شوند که مجرای صوتی کاملاً یا تقریباً باز باشد" (1) این آواها از طریق

ارتعاش تارهای صوتی و جریان هوا از میان حنجره و دهان بدون هیچگونه انسداد ایجاد می‌شوند که باعث شکل‌گیری طیف گسترده‌ای از آواها می‌گردد .

در زبان عربی، واکه‌ها شامل حرکات (ضمه، فتحه و کسره) و همچنین برخی حروف مانند «ا»، «و» و «ی» هستند. این آواها از تنوع صوتی بر اساس فرکانس‌های مختلف برخوردارند که امکان ایجاد طیف وسیعی از آواها را در زبان فراهم می‌کند.

- تعریف همخوان‌ها :

همخوان‌ها آوایی هستند که تولید آن‌ها مستلزم وجود انسداد جزئی یا کامل در مسیر جریان هوا است. همخوان‌ها زمانی تولید می‌شوند که مجرای صوتی دچار انسداد یا اصطکاک شود، مانند آنچه هنگام تلفظ حرف «ب» یا «ش» رخ می‌دهد.⁽²⁾ برخلاف واکه‌ها، تولید همخوان‌ها نیازمند تکنیک‌های مختلفی از جمله بستن بخش‌های گوناگون دهان یا حنجره است که منجر به شکل‌گیری آواها می‌شود. در زبان عربی، همخوان‌ها شامل حروفی مانند «ب»، «ج»، «د» و سایر حروف الفبا هستند. نیز همخوان‌ها به انواع مختلفی تقسیم می‌شوند، از جمله همخوان‌های انسدادی، سایشی و نرم. این طبقه‌بندی بر اساس نحوه تولید آوا و میزان اصطکاک یا انسدادی که هنگام تلفظ آن‌ها رخ می‌دهد، انجام می‌شود.

- اهمیت واکه‌ها و همخوان‌ها در آواشناسی :

درک واکه‌ها و همخوان‌ها از اهمیت بالایی در مطالعه آواشناسی برخوردار است، زیرا به تحلیل ساختار واژگان و درک تفاوت‌های آوایی میان زبان‌ها کمک می‌کند. همچنین، تمایز بین واکه‌ها و همخوان‌ها نقش اساسی در بهبود مهارت‌های تلفظ و آموزش زبان دارد، چراکه "تمایز بین واکه‌ها و همخوان‌ها می‌تواند به درک دقیق ساختار و کاربرد واژگان کمک کند."⁽³⁾ علاوه بر این، این تمایز به یادگیری زبان‌های جدید و تحلیل متون آوایی کمک می‌کند. همچنین، مطالعه واکه‌ها و همخوان‌ها نقش مهمی در کاربردهای فناوری، مانند تشخیص صدا و تحلیل گفتار دارد. در بسیاری از سیستم‌های فناوری، مانند نرم‌افزارهای تشخیص صدا یا اپلیکیشن‌های آموزش زبان، از این مفاهیم برای بهبود دقت تشخیص و تفسیر آواها استفاده می‌شود.

ثانیاً / نگاه عمومی

زبان‌ها تنها وسیله‌ای برای ارتباط نیستند، بلکه نمایانگر هویت فرهنگی ملت‌ها بوده و تاریخ و تمدن آن‌ها را مستند می‌کنند. در منطقه خاورمیانه، زبان‌های بسیاری وجود دارند که تأثیرات قابل توجهی بر جامعه گذاشته‌اند. از جمله این زبان‌ها می‌توان به فارسی، مندایی و گویش عامیانه عراقی اشاره کرد. این زبان‌ها از لحاظ ریشه و ساختار متفاوت هستند، اما به دلیل تعامل تاریخی و فرهنگی میان اقوام مختلف، گاهی با یکدیگر تداخل دارند. در این پژوهش، به بررسی زبان‌های فارسی، مندایی و گویش عامیانه عراقی از دیدگاه تأثیرات فرهنگی و دینی برجای‌مانده از آن‌ها، همچنین تعامل میان این زبان‌ها در طول تاریخ خواهیم پرداخت .

1- فارسی: زبان فرهنگ و تاریخ

زبان فارسی یکی از زبان‌های هندواروپایی است و زبان رسمی در ایران، افغانستان و تاجیکستان محسوب می‌شود. فارسی یکی از کهن‌ترین زبان‌های زنده جهان است که ریشه‌های آن به زبان فارسی باستان بازمی‌گردد، زبانی که در

دوران امپراتوری هخامنشی رواج داشت. این زبان در طول تاریخ از فارسی باستان به فارسی میانه و در نهایت به فارسی نوین که امروزه می‌شناسیم، تکامل یافته است.

فارسی زبانی فرهنگی و ادبی غنی به‌شمار می‌رود و شاعران و اندیشمندانی بزرگ با آثار خود تأثیر عمیقی بر ادبیات و تفکر جهانی گذاشته‌اند، از جمله حافظ شیرازی و سعدی شیرازی. "فارسی نوین در مقایسه با بسیاری از زبان‌های هندواروپایی دیگر دارای ساختار دستوری نسبتاً ساده‌ای است، اما از نظر واژگان و ترکیبات زبانی بسیار غنی است"⁽⁴⁾ این زبان به‌شدت تحت تأثیر زبان‌های همسایه، به‌ویژه زبان عربی، قرار گرفته است که این تأثیر به دلیل فتوحات اسلامی در واژگان فارسی، به‌ویژه در حوزه‌های دین و علم، کاملاً مشهود است. به همین دلیل، فارسی یکی از زبان‌هایی است که ترکیبی از عناصر زبانی گوناگون را در خود جای داده است.

فارسی از الفبای عربی با تغییراتی بهره گرفته است که باعث شباهت ظاهری آن به زبان عربی شده، اما از نظر تلفظ و واژگان تفاوت چشمگیری دارد. به‌عنوان نمونه، فارسی دارای حروفی است که در عربی وجود ندارند، از جمله: پ، چ، ژ، گ. این زبان در ایران در بسیاری از حوزه‌ها، از رسانه گرفته تا ادبیات و سیاست، به‌عنوان زبان رسمی به‌کار می‌رود. فارسی از غنی‌ترین زبان‌ها در حوزه ادبیات محسوب می‌شود و شعر فارسی دارای تاریخی طولانی و سرشار از زیبایی‌های احساسی و فلسفی است. از برجسته‌ترین شاعران پارسی که تأثیر شگرفی بر ادبیات فارسی و جهانی گذاشته‌اند می‌توان به حافظ، سعدی و فردوسی اشاره کرد. همچنین، فیلسوفان ایرانی همچون فارابی و ابن سینا نقش بسزایی در پیشبرد فلسفه اسلامی داشته‌اند. "شعر فارسی تأثیر عمیقی از تفکر فلسفی و دینی پذیرفته است و یکی از برجسته‌ترین اشکال بیان فرهنگی در ایران به‌شمار می‌آید"⁽⁵⁾.

۲- زبان مندایی :

زبان مندایی یکی از زبان‌های سامی است که به خانواده زبان‌های آرامی تعلق دارد. بنابراین؛ این زبان به‌عنوان نماینده‌ی گویش عامیانه‌ی عراقی انتخاب شده است، زیرا تأثیر مستقیمی بر آن دارد. همچنین، این زبان قدیمی‌ترین زبان عراقی و تنها زبانی است که هنوز زنده و رایج در عراق باقی مانده است.

این زبان توسط منداییان، که یک فرقه دینی در عراق و ایران هستند، تکلم می‌شود. زبان مندایی عمدتاً یک زبان آیینی است و در متون دینی همچون (کنز ربا) (کتاب بزرگ)، که مهم‌ترین متن دینی منداییان و منبع اصلی احکام آن‌ها محسوب می‌شود، مورد استفاده قرار می‌گیرد. "کنز ربا کتابی مقدس است که شامل آموزه‌های دینی و فلسفی بوده و منبع اصلی تفکر مندایی به‌شمار می‌آید"⁽⁶⁾. زبان مندایی یکی از شاخه‌های زبان آرامی شرقی است و زبان بومی سرزمین (بین‌النهرین) به‌شمار می‌رود. این زبان به دو شاخه تقسیم می‌شود: شاخه شمالی که زبان آشوری است، و شاخه جنوبی که زبان بابلیان بوده و زبان مندایی نیز از آن منشعب شده است. زبان‌شناسان، زبان مندایی را شاخه‌ای خالص از آرامی شرقی می‌دانند، زیرا این زبان در طول تاریخ خود از ورود واژگان بیگانه از زبان‌های دیگر مصون مانده و اصالت خود را حفظ کرده است⁽⁷⁾.

اگرچه زبان مندایی در گذشته به‌طور گسترده‌ای مورد استفاده قرار می‌گرفت، امروزه تنها در جوامع کوچکی صحبت می‌شود و به دلیل عوامل اجتماعی و سیاسی در معرض خطر انقراض قرار دارد. (زبان مندایی زبانی کهن است که علی‌رغم تأثیرپذیری از زبان‌های همسایه مانند فارسی و عربی، ویژگی‌های سامی خود را حفظ کرده است)⁽⁸⁾

این زبان با الفبای خاص خود نوشته می‌شود که با الفبای عربی و فارسی تفاوت دارد. زیرا این زبان شامل ۲۴ (بیست و چهار) حرف است، همان‌گونه که دکتر قیس مغشغش در جدول زیر آورده است:

N	م	ام	𐎌
N	ن	ان	𐎎
S	س	اس	𐎑
ē	ع	اع	𐎓
F	ف	اف	𐎕
š	ص	اص	𐎗
Q	ق	اق	𐎙
R	ر	ار	𐎛
sh	ش	اش	𐎝
T	ت	ات	𐎟
d	د	اد	𐎡
A	ا	ا	𐎣

مندائي	اللفظ	عربي	انجليزي
𐎣	ا	ا	A
𐎑	اب	ب	B
𐎓	اک	ج	G
𐎕	اد	د	D
𐎗	اه	ه	H
𐎙	او	و	O,U
𐎛	از	ز	Z
𐎝	اح	ح	h
𐎟	ايط	ط	!
𐎡	اي	ي	I,Y
𐎣	اک	ک	K
𐎦	ال	ل	M

(قیس مغشغش السعدي، معجم المفردات المندائية في العامية العراقية، بيروت، 2019، ص 80)

امروزه زبان مندایی عمدتاً در آیین‌های دینی، به‌ویژه مراسم تعمید، که در باور منداییان آب عنصری مقدس به‌شمار می‌آید، مورد استفاده قرار می‌گیرد. از این‌رو، حفظ و نگهداری این زبان برای جامعه مندایی از اهمیت بسیاری برخوردار است، چراکه بخش مهمی از هویت فرهنگی و دینی آن‌ها را تشکیل می‌دهد.

۳- عامیانه عراقی: تنوع زبانی

عامیانه عراقی به مجموعه‌ای از گویش‌های عربی گفته می‌شود که در عراق رایج هستند. این گویش‌ها از تنوع گسترده‌ای در مناطق مختلف برخوردارند، به‌گونه‌ای که گویش بغداد با گویش‌های جنوبی و شمالی تفاوت دارد. اگرچه زبان رسمی عراق عربی فصیح است، اما عامیانه عراقی در زندگی اجتماعی و ارتباطات روزمره به‌طور گسترده مورد استفاده قرار می‌گیرد.

عامیانه عراقی تحت تأثیر زیادی از زبان‌های همسایه مانند فارسی و ترکی قرار گرفته است، که این تأثیر ناشی از تعاملات فرهنگی و تاریخی و همچنین همجواری میان ساکنان بین‌النهرین و مردمان کشورهای همسایه است. (عامیانه عراقی ترکیبی از چندین زبان و فرهنگ است و تأثیر چشمگیری از زبان‌های فارسی، ترکی و کردی پذیرفته است، که این امر آن را از نظر تلفظ و واژگان منحصر به فرد ساخته است)⁽⁹⁾. پژوهشگر **الخرجی** تأکید می‌کند که: (بسیاری از آواها در لهجه عراقی دارای نشانه‌های آوایی آرامی و فارسی هستند، که این امر نتیجه تماس زبانی ممتدی از دوران ساسانی تاکنون است)⁽¹⁰⁾. همچنین زبان‌شناس ایرانی، **مهرداد بهمن‌فر**، بر این باور است که: واژه‌های بلند فارسی همچون /ā/ و /ū/ تأثیر قابل توجهی در گویش‌های جنوب عراق گذاشته‌اند.⁽¹¹⁾ و اگرچه عامیانه عراقی دارای بسیاری از واژگان مشترک با عربی فصیح است، اما واژگانی از زبان‌های دیگر، همچون فارسی و ترکی، نیز در آن دیده

می‌شود. این گویش نه تنها وسیله‌ای برای ارتباط، بلکه بخشی از هویت فرهنگی عراقی نیز محسوب می‌شود و در حوزه‌های مختلف، از مکالمات روزمره گرفته تا رسانه و هنر، مورد استفاده قرار می‌گیرد.

با وجود تأثیرات جهانی شدن، عامیانه عراقی همچنان جایگاه خود را در زندگی روزمره حفظ کرده است و در عرصه‌هایی مانند درام، موسیقی و هنرهای مردمی به کار می‌رود. بسیاری از هنرمندان عراقی، چه در زمینه موسیقی و چه در سینما، در آثار خود از عامیانه عراقی استفاده می‌کنند که این امر به تقویت نفوذ آن در جامعه کمک می‌کند.

- سوم / تأثیرات متقابل میان زبان‌ها

با وجود اینکه زبان‌های فارسی، مندایی و عامیانه عراقی به خانواده‌های زبانی متفاوتی تعلق دارند، اما این زبان‌ها در طول تاریخ تأثیرات متقابلی بر یکدیگر داشته‌اند. تأثیر زبان عربی بر فارسی پس از فتوحات اسلامی کاملاً آشکار و گسترده است، که نتیجه آن ورود بسیاری از واژگان عربی به زبان فارسی بوده است. در مقابل، عامیانه عراقی نیز تحت تأثیر عربی فصیح و همچنین زبان‌های فارسی، ترکی و کردی قرار گرفته است، که این امر ناشی از تعاملات فرهنگی و زبانی میان عراق و این اقوام است.

شایان ذکر است که سرزمین (بین‌النهرین) از کهن‌ترین مراکز تمدن بشری به‌شمار می‌رود که اقوام سامی مانند اکدی‌ان و اقوام غیر سامی چون سومریان در آن ساکن بودند. با گسترش امپراتوری هخامنشی و تسلط آن بر سرزمین‌های بین‌النهرین تا مصر، سیاست‌های مداراگرانه و مسالمت‌آمیز این حکومت، به‌ویژه نسبت به اقوام سامی‌نژاد و به‌طور خاص یهودیان، باعث پایان یافتن نزاع‌ها و ایجاد آرامش، آزادی و ثبات اجتماعی شد. در این فضا، یهودیان احترام و تقدیری خاص برای کوروش بزرگ قائل بودند و او را نجات‌بخش خود می‌دانستند. در همین دوره تاریخی، زبان و ادبیات فارسی تأثیر قابل توجهی بر متون دینی و فرهنگی یهودیان، به‌ویژه تلمود، گذاشت و بسیاری از واژگان فارسی وارد این آثار شد. با توجه به گستره نفوذ آیین یهود در میان اقوام گوناگون، این واژگان فارسی از طریق تلمود وارد زبان‌های دیگر سامی مانند سریانی و مندایی شدند و بدین ترتیب ردپای زبان فارسی در طیف وسیعی از زبان‌ها و گویش‌های سامی قابل مشاهده است. بخش عمده‌ای از این واژگان، از طریق زبان آرامی میانه که زبان دینی، ادبی و اداری گسترده‌ای در منطقه بود، به دیگر لهجه‌ها منتقل شده‌اند. افزون بر این، در دوره‌های بعد نیز واژگان بیشتری از فارسی باستان، پهلوی ساسانی و فارسی دری به زبان‌های سامی راه یافتند. این امر نشان‌دهنده‌ی تداوم و پایداری روابط زبانی و فرهنگی میان ایران و اقوام سامی در طول تاریخ است، روابطی که هیچ‌گاه به‌طور کامل گسسته نشده و همواره زمینه‌ساز تبادل زبانی و فرهنگی بوده است⁽¹²⁾.

همچنین، زبان مندایی که از زبان‌های سامی محسوب می‌شود و در میان گروهی دینی محدود رواج دارد، تحت تأثیر زبان‌های همسایه همچون فارسی و عربی قرار گرفته است. افزون بر این، تأثیر آن بر عامیانه عراقی نیز بسیار قابل توجه بوده است، چراکه پیروان این آیین بخشی مهم از بافت اجتماعی ساکنان بین‌النهرین را تشکیل می‌دهند. برخی از واژگان مندایی که به عامیانه عراقی راه یافته‌اند عبارت‌اند از⁽¹³⁾:

- "اکو / ماکو" به معنای "وجود دارد / وجود ندارد"
- "چا" به معنای "پس، بنابراین"
- "طب" به معنای "وارد شدن" که از فعل مندایی "طبا" گرفته شده است.

از این رو، زبان‌های فارسی، عامیانه عراقی علاوه بر مندایی بخش جدایی‌ناپذیری از میراث زبانی و فرهنگی خاورمیانه به‌شمار می‌روند. علی‌رغم تفاوت‌های ریشه‌ای و ساختاری، این زبان‌ها در شکل‌گیری هویت فرهنگی مردمانی که بدان‌ها سخن می‌گویند، نقش مهمی ایفا می‌کنند. با مطالعه این زبان‌ها می‌توان تأثیرات تاریخ و فرهنگ را بر روند تکامل زبان درک کرد و به اهمیت حفظ این زبان‌ها در برابر چالش‌های معاصر همچون جهانی‌شدن و خطر نابودی زبانی پی برد. پس حفظ این زبان‌ها نه تنها یک مسئله زبانی، بلکه یک موضوع فرهنگی و دینی نیز محسوب می‌شود، چراکه این زبان‌ها بخش اساسی از هویت ملت‌هایی هستند که به آن‌ها سخن می‌گویند.

- تأثیر صوتی میان زبان‌ها :

پدیده‌های صوتی از عوامل اساسی هستند که هر زبان را از دیگری متمایز می‌کنند. با این حال، زبان‌ها در خلاء تکامل نمی‌یابند، بلکه نتیجه تأثیرات متقابل آنها در طول تاریخ از طریق تعاملات فرهنگی و اجتماعی هستند. یکی از جنبه‌های مهم این تعاملات، تأثیر صوتی میان زبان‌ها است، که به معنای چگونگی تأثیر اصوات یک زبان بر اصوات زبان دیگر است.

تأثیر صوتی میان زبان‌ها فرآیندی است که زمانی رخ می‌دهد که اصوات یا سیستم صوتی یک زبان بر زبان دیگر تأثیر می‌گذارند، چه از طریق تبادل مستقیم واژگان و چه از طریق تأثیرات غیرمستقیم از طریق عوامل اجتماعی و فرهنگی. تأثیر صوتی شامل تغییرات در تلفظ، آواشناسی، تن صوتی و ترکیبات صوتی است، و این یک فرآیند است که می‌تواند نتیجه تعامل میان زبان‌های همجوار یا نزدیک در تاریخ باشد. (تأثیر صوتی میان زبان‌ها زمانی رخ می‌دهد که گویندگان یک زبان جدید را با اصوات یا ویژگی‌های صوتی خاص از زبان مادری خود یا بالعکس اتخاذ می‌کنند، که منجر به تغییرات در تلفظ و ساختار صوتی می‌شود) (14). تأثیر صوتی میان زبان‌ها می‌تواند مستقیم یا غیرمستقیم باشد، و بستگی به نزدیکی زبان‌ها به یکدیگر و نوع تعامل میان جوامع گوینده این زبان‌ها دارد. مهم‌ترین دلایل این تأثیرات عبارتند از (15):

- 1- موقعیت جغرافیایی: هنگامی که زبان‌های همجوار در مناطق جغرافیایی نزدیک به یکدیگر قرار دارند، تعامل میان گویندگان باعث تبادل تأثیرات صوتی می‌شود. به عنوان مثال، زبان‌های عربی و فارسی به‌طور قابل توجهی تحت تأثیر یکدیگر قرار گرفته‌اند به دلیل فتوحات اسلامی.
- 2- جنبه نظامی: زمانی که یک گروه زبانی بر منطقه‌ای مسلط می‌شود، زبان آن گروه بر زبان محلی تأثیر می‌گذارد. به عنوان مثال، تأثیر صوتی‌ای که بین زبان فرانسوی و انگلیسی پس از حمله نورمن‌ها به انگلستان در قرن یازدهم رخ داد.
- 3- تبادل فرهنگی و تجاری: تجارت و مهاجرت می‌توانند در تأثیر صوتی میان زبان‌ها نقش داشته باشند. به عنوان مثال، بسیاری از زبان‌های اروپایی به دلیل تبادل تجاری میان اعراب و اروپا در دوران قرون وسطی تحت تأثیر واژگان عربی قرار گرفتند.

- انواع تأثیر آوایی میان زبان‌ها :

می‌توان تأثیر صوتی میان زبان‌ها را به چند نوع اصلی تقسیم کرد که عبارتند از (16):

۱. تأثیر صوتی مستقیم : این زمانی رخ می‌دهد که یک زبان اصواتی را از زبان دیگر به‌طور مستقیم می‌گیرد، خواه از طریق مهاجرت، تبادل تجاری یا تعامل فرهنگی. به‌عنوان مثال، بسیاری از زبان‌های هندی تحت تأثیر اصوات فارسی و عربی قرار گرفته‌اند به دلیل تعاملات تاریخی .

۲. تأثیر صوتی غیرمستقیم : این زمانی اتفاق می‌افتد که یک زبان به‌طور غیرمستقیم تحت تأثیر زبان دیگری قرار می‌گیرد، مانند تعامل فرهنگی بدون تغییر مستقیم در اصوات. به‌عنوان مثال، یک زبان می‌تواند بر شیوه تلفظ تأثیر بگذارد بدون آنکه بر سیستم صوتی به‌طور کامل تأثیر بگذارد .

۳. تأثیر صوتی انتقالی : تأثیر صوتی انتقالی نوعی تأثیر است که زمانی رخ می‌دهد که تغییرات صوتی متوالی منجر به تأثیرات صوتی جدید می‌شود به دلیل تعامل چندین زبان. این نوع تأثیر زمانی اتفاق می‌افتد که بیش از یک زبان در یک محیط خاص تداخل پیدا کنند، که منجر به تغییر در تلفظ یک زبان خاص به دلیل تأثیرات صوتی از زبان‌های مختلف می‌شود (17).

زبان‌های عربی و فارسی نمونه خوبی از تأثیر صوتی میان زبان‌ها هستند . به دلیل فتوحات اسلامی و تعامل فرهنگی میان عرب‌ها و ایرانی‌ها ، زبان فارسی در بسیاری از زمینه‌ها تحت تأثیر زبان عربی قرار گرفته است ، از جمله در زمینه صوت‌شناسی . (فارسی به‌طور قابل توجهی از زبان عربی در بسیاری از اصوات تأثیر پذیرفته است، به‌طوری‌که بسیاری از حروف عربی مانند 'ع' و 'غ' در زبان فارسی پذیرفته شده‌اند(18). همچنین تلفظ فارسی تحت تأثیر برخی از اصوات عربی قرار گرفته است، که این امر تأثیر صوتی میان دو زبان را نشان می‌دهد .

در عراق، زبان‌ها و گویش‌های رایج در آنجا به دلیل تعامل مستمر میان عربی، فارسی و کردی تحت تأثیر قرار گرفته‌اند . (عامیانه عراقی شامل بسیاری از اصواتی است که تحت تأثیر فارسی و کردی قرار گرفته‌اند، که این امر تعامل تاریخی میان این زبان‌ها را نشان می‌دهد) (19) به‌عنوان مثال ، برخی از گویش‌های عراقی تحت تأثیر تلفظ حروف فارسی قرار گرفته‌اند ، مانند " ک " که در برخی از گویش‌های عراقی به‌صورت " چ (Ch) " تلفظ می‌شود همانند زبان فارسی ، برای مثال (کف - چف ، کم - چم ، ...). نیز حرف "ق" به صورت " گ " فارسی تلفظ می‌شود ، برای مثال (قلب - گلب ؛ قیمر - گیمر ؛ قمل - گمل ؛ ...) .

- تأثیر تغییرات آوایی بر تکامل زبان :

تأثیر صوتی میان زبان‌ها تنها به تغییرات در تلفظ محدود نمی‌شود، بلکه می‌تواند به تکامل کلی زبان نیز منجر شود. تغییرات صوتی باعث ایجاد تغییراتی در ساختار جملات و واژگان می‌شود که به تکامل زبان در طول زمان کمک می‌کند. بنابراین (تأثیر صوتی میان زبان‌ها می‌تواند به تغییرات ساختاری در زبان منجر شود ، به‌طوری‌که اصوات جدید از یک زبان به زبان دیگر منتقل می‌شوند و این امر به تکامل تلفظ و واژگان کمک می‌کند) (20) .

تأثیر صوتی میان زبان‌ها یک پدیده زبانی پیچیده است که تأثیر زیادی بر تکامل زبان‌ها دارد. این تأثیر در زبان‌ها از طریق تعامل فرهنگی و تاریخی متفاوت است ، چه به‌طور مستقیم و چه به‌طور غیرمستقیم . تأثیر صوتی در شکل‌دهی سیستم صوتی زبان‌ها نقش دارد که بازتاب تعامل مستمر میان ملت‌ها است . از طریق مطالعه تأثیر صوتی میان زبان‌ها می‌توانیم درک کنیم که چگونه زبان‌ها تکامل می‌یابند و چگونه عوامل اجتماعی و فرهنگی در این تکامل تأثیرگذار هستند.

مبحث دوم

واکه‌ها و همخوان‌ها در فارسی و مندایی

اولاً / ویژگی‌های دستگاه آوایی در زبان فارسی

زبان فارسی، به عنوان یکی از قدیمی‌ترین زبان‌های هندواروپایی، دارای دستگاه آوایی غنی‌ای است که از واکه‌ها (اصوات متحرک) و همخوان‌ها (اصوات ساکن) تشکیل شده است. بنابراین، لازم است به ویژگی‌های این اصوات پرداخته شود و نقش آن‌ها در ساخت واژه‌ها و عبارات در زبان فارسی توضیح داده شود.

۱- واکه‌های فارسی :

واکه‌های زبان فارسی نو از شش صوت اصلی تشکیل شده‌اند : سه واکه کوتاه و سه واکه بلند. واکه‌ها بر اساس طول تلفظ و محل تولید آن‌ها در دستگاه آوایی تعیین می‌شوند⁽²¹⁾.

- واکه‌های کوتاه :

- فتنه : مانند واژه "بَد /æ/"
- کسره : مانند واژه "پَر /e/"
- ضمه : مانند واژه "خُر /o/"

این واکه‌ها با مدت زمان کوتاه تلفظ می‌شوند و در شکل‌گیری حرکات نحوی نقش دارند.

- واکه‌های بلند

- /ɒ:/ مانند واژه "مادر"
- /i:/ مانند واژه "سیب"
- /u:/ مانند واژه "روز"

واکه‌های بلند در تمایز معنایی نقش دارند و از همتایان کوتاه خود طولانی‌تر تلفظ می‌شوند.

۲- همخوان‌های فارسی :

همخوان‌ها در زبان فارسی به سه دسته‌ی همخوان‌های سایشی، انسدادی و انسایشی تقسیم می‌شوند. طبقه‌بندی آن‌ها بر اساس شیوه و محل تولید صوت انجام می‌شود⁽²²⁾.

- همخوان‌های انسدادی : شامل صداهایی هستند که با بسته شدن مسیر جریان هوا و سپس رها شدن ناگهانی آن ایجاد می‌شوند، مانند /b/ در "باد" و /k/ در "کار"
- همخوان‌های سایشی : هنگامی تولید می‌شوند که هوا از یک گذرگاه باریک عبور کند، مانند /f/ در "فرهاد" و /ʃ/ در "شیر".
- همخوان‌های دوگانه : ترکیبی از انسداد و سایش هستند، مانند /dʒ/ در "جام".

از اینجا، نقش کلیدی واکه‌ها در شکل‌دهی معنا و نحو در زبان فارسی مشخص می‌شود، زیرا آن‌ها قالب‌های اشتقاقی و زمان افعال را تعیین می‌کنند. در مقابل، همخوان‌ها بر ساختار واژه‌ها و روابط آوایی آن‌ها تأثیر می‌گذارند⁽²³⁾. بنابراین، واکه‌ها و همخوان‌ها اساس دستگاه آوایی زبان فارسی را تشکیل می‌دهند و هر یک در زیبایی و سهولت کاربرد این زبان نقش مهمی دارند. درک ویژگی‌های این اصوات، دریچه‌ای به شناخت عمیق‌تر زبان فارسی می‌گشاید.

- دوم / دستگاه آوایی در زبان مندایی

زبان مندایی یکی از کهن‌ترین زبان‌های سامی در سرزمین بین‌النهرین است که برای اهداف دینی و ادبی به کار رفته است. این زبان دارای یک نظام آوایی ویژه‌ای است که تأثیرات تاریخی، فرهنگی و اجتماعی متنوع اقوام این منطقه را بازتاب می‌دهد. نظام آوایی آن متشکل از⁽²⁴⁾:

۱ - واکه‌ها (صداها متحرک) : زبان مندایی دارای یک نظام واکه‌ای نسبتاً ساده است که شامل واکه‌های کوتاه و بلند می‌شود.

- واکه‌های کوتاه : با زمان تلفظ کوتاه ادا شده و در تشکیل واژه‌ها به کار می‌روند. شامل :

- /a/ مانند واژه " مارا " (آقا)

- /i/ مانند واژه " مایا " (آب)

- /u/ مانند واژه " نوهر " (نور)

- واکه‌های بلند : مدت زمان تلفظ بیشتری دارند و برای تمایز معنایی به کار می‌روند ، مانند :

- /ā/ واژه " مانا " (ابزار)

- /ē/ واژه " بیتا " (خانه)

۲ - صامت‌ها (صداها بی‌صدا)⁽²⁵⁾ : نظام همخوانی در زبان مندایی غنی است و شامل صداها انفجاری، سایشی و دوگانه می‌شود.

- صداها انفجاری :

- /b/ مانند " بیتا " (خانه)

- /k/ مانند کتبا " (کتاب)

- صداها سایشی :

- /f/ مانند " فارا " (گاو نر)

- /ʃ/ مانند " شمشا " (خورشید)

- صداها دوگانه : /dʒ/ مانند " جلجا " (دایره)

ویژگی‌های آوایی متمایز (26) :

1- اطباق : برخی از صداها در زبان مندائی ویژگی اطباق را نشان می‌دهند، مانند /s/ در واژه (صلا = نماز

(

2- همس و جهر : زبان مندائی بین صداها همس و جهر تمایز قائل می‌شود، مانند /p/ و /b/ .

-

تأثیرات تاریخی (27) :

نظام آوایی زبان مندائی تحت تأثیر تحولات تاریخی و ارتباط با دیگر زبان‌های سامی مانند آرامی و عبری قرار گرفته است. این تأثیرات را می‌توان در تغییر برخی از صداها به اشکال دیگر در طول زمان مشاهده کرد. نمونه‌ای از این تغییرات عبارت است از:

الف- انتقال از صدا /θ/ (ث) به /t/ (ت) : در زبان مندائی، صدای سایشی سامی /θ/ (مشابه زبان‌های آرامی و عبری باستان) به صدای انفجاری /t/ تغییر یافته است، مانند (28) :

• واژه آرامی (ثورا = گاونر) در مندائی به (تورا = گاونر) تبدیل شده است .

• واژه عبری باستان "תַּבְּחָה" (شِبْط، عصا) معادل مندائی آن (شَبْتَا = شنبه) است .

ب- انتقال از صدا /l/ به /l/ : صدای /l/ (لام مفخمه) در برخی گویش‌های آرامی در زبان مندائی به /l/ ساده تغییر یافته است، مانند (29) :

• واژه آرامی (مِرْقَلَا = رحمت) در مندائی به (مِرْقَلَا) تبدیل شده است .

• واژه آرامی (شَلْمَا = صلح) در مندائی به (شَلْمَا) تغییر یافته است .

ج- حفظ صدای /ʔ/ (همزه) (30) : در حالی که صدای /ʔ/ (همزه) در برخی گویش‌های آرامی از بین رفته است، زبان مندائی این صدا را در بسیاری از موارد حفظ کرده است، مانند :

• واژه آرامی (ما، چه ؟) در مندائی به همان شکل (ما) باقی مانده است .

• واژه عبری "רֹשׁ" (روش = سر) معادل مندائی آن (رَاشَا) است .

د- انتقال از صدای /f/ به /s/ (31) : در برخی موارد، صدای /f/ (شین) تحت تأثیر آرامی غربی به /s/ (سین) تغییر یافته است، مانند :

• واژه آرامی (شَمَشَا = خورشید) در برخی گویش‌های مندائی به (سَمَسَا) تغییر یافته است .

• واژه عبری "שָׁמַיִם" (شَمَائِم = آسمان) در مندائی به (سَمَائِیا) تبدیل شده است .

هـ- افزودن واکه‌های بلند (32) : به دلیل تأثیر آرامی شرقی، زبان مندائی در جاهایی که در اصل سامی فقط واکه‌های کوتاه وجود داشتند، واکه‌های بلند را اضافه کرده است، مانند :

• واژه آرامی (بَرَا = پسر) در مندائی به (بَارَا) تبدیل شده است .

در این جا مشاهده می‌شود که اشتراکاتی آوایی میان زبان‌های فارسی و مندایی وجود دارد، با وجود تفاوت ریشه‌ای میان این دو زبان؛ زیرا زبان فارسی از خانواده‌ی زبان‌های هندواروپایی است، در حالی که زبان مندایی از زبان‌های سامی به شمار می‌رود. شایان ذکر است که این واژه‌ها (مصوت‌ها) در زبان عربی فصیح که آن نیز از زبان‌های سامی است، وجود ندارند، اما در بسیاری از واژگان در زبان عامیانه‌ی عراقی دیده می‌شوند، مانند: "چای"، "گلب"، "پودر"، "گلاده"، "گیمر" و...

از لحاظ صرفی، هر سه زبان (فارسی، مندایی و عربی عامیانه‌ی عراقی) از ضمائر متصل برای بیان مالکیت استفاده می‌کنند⁽³⁵⁾. برای نمونه: عامیانه‌ی عراقی: کتابی، فارسی: کتابم، مندایی: کتابی.

برای توضیح بیشتر، به مثال زیر توجه کنید:

عامیانه‌ی عراقی: ثوبی، ثوبك، ثوبنا.

فارسی: لباسم، لباست، لباسمان

مندایی: لبوشی، لبوشخ، لبوشان

(و در لهجه‌ی عراقی، واژه «لباس» نیز با همان تلفظ فارسی به کار می‌رود)

این شباهت همچنین در سطح نحوی و در ساختار جملات ساده نیز دیده می‌شود. مانند:

عربی عامیانه‌ی عراقی: "آنی رحتم" (من رفتم)

فارسی: "من رفتم"

مندایی: "از هلت" (من رفتم)

این تشابه در سطح آوایی، نحوی و صرفی، به علاوه‌ی تعامل فرهنگی میان مردمان این زبان‌ها، سهم بزرگی در فرآیند انتقال واژگان و پدیده‌ی وام‌گیری زبانی داشته است و نمونه‌های بسیاری برای آن می‌توان یافت، از جمله:

عربی عامیانه‌ی عراقی: "بستان" که ریشه‌ی آن فارسی است.

فارسی: "باغ" (باغ، بوستان)

مندایی: "باغا" (زمین)

همچنین پیوندهای دینی و اعتقادی نیز در انتقال واژگان نقش مهمی داشته‌اند، از جمله:

عربی عامیانه‌ی عراقی: "صلاة"

فارسی: "نماز" که در برخی موارد با تلفظ "صلا" نیز گفته می‌شود

مندایی: "صلا" (نماز)

این اشتراکات در حوزه‌ی اجتماعی نیز به چشم می‌خورد، از جمله:

عربی عامیانه‌ی عراقی: "جنابك"

فارسي: " جناب " (آقا، بزرگوار)

مندایی: " جنبا " (سمت ، جانب)

در پایان ، جدولی ارائه خواهد شد که در آن مجموعه‌ای از واژگان مشترک و رایج در زبان‌های فارسی ، مندایی و عربی عامیانه‌ی عراقی، به همراه آوانویسی لاتین، ریشه‌ها و خاستگاه آن‌ها آورده خواهد شد :

ت	الفارسیة مع رسمها الصوتی	المندانیة مع رسمها الصوتی	الكلمة في اللهجة العراقية	الملاحظات
1	خدا - /xoda:/	ایلا - /ʔe:la:/	إله - /ʔallāh/	وتلفظ في الفارسية (إله)
2	كرم - /kærm/	كرما - /kərma/	كرم	
3	زهر - /zæhr/	زهرا - /zəhra/	زهر	
4	شكر - /ʃekær/	شوكرا - /ʃokra/	سكر	
5	موزه - /mu:ze/	موزا - /muza/	موزة	في الفارسية تأتي أيضا بمعنى (متحف)
6	دراهم - /dærhæm/	دراهما - /drehma/	دراهم	
7	ليمون - /limun/	ليمونا - /limuna/	ليمون	
8	قهوه - /qahwa/	قوها - /qweha/	قهوة	
9	چای - /ʃaj/	شیا - /ʃiya/	شاي	
10	بازار - /bæzar/	بازارا - /bazaara/	بازار	
11	فرش - /farsh/	فرشا - /fərsha/	فرش	
12	دكان - /dukān/	دكنا - /dəkna/	دكان	
13	أب - /āb/	أبا - /ʔaba/	أب	وتعني الماء – أصل فارسية
14	قلم - /qalam/	قلمًا - /qəlemā/	قلم	أصل عربي
15	موسیقی - /musiqi/	موسيقًا - /musiqā/	موسیقی	أصل فارسي
16	باغ - /bāgh/	باغا - /bāya/	باغ	أصل فارسي
17	سلام - /səla.m/	شلاما - /ʃæ'la:ma:/	سلام - /səla.m/	
18	عشق - /esq/	حوبا - /hu:ba:/	حب - /hubb/	ايضا تلفظ بالفارسية (محبت)
19	چشمه - /tʃæʃmæ/	أینا - /ʔe:na:/	عين - /ʕin/	

20	مرح - /mærh/	مرنا - /merna:/	مرح - /marh/
21	لذت - /læzæt/	لوثا - /lɒθɑ:/	لذة - /ladhə/
22	دين - /di:n/	ديئا - /di:na:/	دين - /dīn/
23	بركت - /bærækæt/	بريخا - /bæ'ri:χɑ:/	بركة - /bærəkə/
24	شيشه - /ʃi:'ʃæ/	شيشا - /ʃi:'ʃɑ/	شيشه - /ʃi:'ʃæ/
25	ميدان - /mej'da:n/	ميدانا - /maj'da:na/	ميدان - /mej'da:n/
26	كار - /ka:r/	كارا - /ka:ra/	كار - /ka:r/
27	دفتر - /dæf'tær/	دفتر ا - /dæf'ta:ra/	دفتر - /dæf'tær/ تأتي بمعنى مكتب في الفارسية
28	قند - /gænd/	قندا - /qændɑ/	قند - /qænd/

نتیجه گیری :

از خلال این پژوهش روشن می‌شود که تعامل آوایی میان زبان‌های فارسی و مندایی تأثیری آشکار بر ساختار واج‌شناختی (فونولوژیکی) گویش عامیانه‌ی عراقی گذاشته است، به‌ویژه در سطح همخوان‌ها و واکه‌ها. عوامل تاریخی و فرهنگی، همچون همزیستی جغرافیایی و دینی میان گویشوران فارسی، مندایی و عربی، در پدید آمدن یک بستر زبانی غنی نقش داشته‌اند که امکان انتقال این تأثیرات آوایی به گویش عامیانه‌ی عراقی را فراهم کرده است.

با بررسی واکه‌ها و همخوان‌ها در زبان فارسی، روشن شد که سامانه‌های آوایی این زبان تأثیری مستقیم و آشکار بر ساختار صوتی لهجه‌ی عامیانه‌ی عراقی داشته‌اند؛ چه در واژگان، چه در تلفظ، و چه در الگوهای گفتار شفاهی.

از یک‌سو، تحلیل آوایی نشان داده است که شماری از واکه‌های بلند و کوتاه در لهجه‌ی عراقی با معادل‌های خود در زبان فارسی مطابقت دارد یا به آن‌ها نزدیک است، که این امر ناشی از قرن‌ها تعامل تاریخی، فرهنگی و سیاسی میان عرب‌ها و فارس‌هاست. همچنین، تأثیر زبان فارسی به‌روشنی در گرایش به تلفظ برخی اصوات به‌صورت مایل یا نرم مشهود است (مانند آواهای "ژ"، "چ" و "گ") که در زبان عربی فصیح وجود ندارند اما در زبان عامیانه‌ی عراقی رایج‌اند. از سوی دیگر، پژوهش نشان داده است که بسیاری از ویژگی‌های آوایی زبان مندایی، به‌ویژه در حوزه‌ی واکه‌های پیشین و میانی، راه خود را به کاربردهای زبان عامیانه باز کرده‌اند، به‌ویژه در مناطق جنوبی عراق (بصره، ناصریه و عماره) که در آنجا تماس میان گروه‌های مندایی و عربی گسترده بوده است. همچنین مشاهده شد که پدیده‌هایی چون تسهیل همزه یا قلب برخی همخوان‌ها، به‌احتمال زیاد بازمانده‌هایی از تأثیر زبان مندایی هستند.

نیز نتیجه می‌گیریم که سامانه‌ی آوایی فارسی از سه مسیر اصلی بر زبان عامیانه‌ی عراقی تأثیر گذاشته‌اند :

1. تماس زبانی مستقیم از طریق همزیستی اجتماعی میان گروه‌ها.

2. وامگیری وازگانی که ساختارهای صوتی تازه‌ای با خود به همراه آورده‌اند .

3. دوگانگی زبانی که منجر به درهم‌تنیدگی آواها و تأثیر آن‌ها در تلفظ شده است .

نتیجه‌ی این پژوهش آن است که زبان عامیانه‌ی عراقی صرفاً حاصل تحولی درونی نیست، بلکه نتیجه‌ی تعامل‌های گوناگون زبانی است که در میان آن‌ها زبان فارسی که مهم‌ترین منابع بیگانه‌ی آن به شمار می‌رود ، علاوه بر زبان مندایی که یکی از منابع داخلی آن بود . این نکته اهمیت مطالعه‌ی لهجه‌ها را در پرتو پیوندهای تاریخی و اجتماعی آن‌ها با زبان‌های هم‌جوار برجسته می‌سازد، تا ریشه‌های تأثیر و تأثر آوایی به‌درستی روشن گردد.

پی نوشت ها :

- 1- رجوع کنید : الجوهري، محمد : (اللغات الفارسية: تطورها وتأثيراتها الثقافية) دار النهضة العربية، 2005، ص 25
- 2- رجوع کنید : حجازي، علي : (الصوتيات في اللغات: تحليل تطبيقي) دار الكتاب الجامعي ، 2012 ، ص 45 .
- 3- رجوع کنید : أبا زيد ، علي : (علم الصوتيات: دراسة في الأصوات اللغوية .دار الفكر العرب) ، 2010 ، ص87 .
- 4 - Windfuhr, G.. The Persian Language. Cambridge University Press. (2009) ,p45 .
- 5- همان منبع ، ص 67 .
- 6- علي حجازي ، منبع قبلي ، ص 210 .
- 7- رجوع کنید : قيس مغشعش السعدى ، الصابئة المندائيون (الوجود والموروث) ، ط1 ، مؤسسة اجد للترجمة والنشر والتوزيع ، 2024 ، ص 143-144 .
- 8 - Lloyd, S. , The Mandaean Religion: A Historical Overview. Brill ,(2005) , p134.
- 9 -Jastrow, O. Arabic Dialectology: The Case of Iraq. Oxford University Press,(2004) , p98 .
- 10- حيدر محمود الخزرجي : الأثر الأرامي والفارسي في لهجات العراق، بغداد: دار الرافدين، 2021 ، ص 132 .
- 11- مهرداد بهمن فر : تأثیر زبان فارسی بر گویش‌های عربی جنوب عراق ، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، 2018. ص 94 .
- 12- رجوع کنید : محسن راثی ، تأثیر زبان وادب فارسی در زبان وادب عربی ، پژوهشنامه علوم انسانی ، شماره 54، تابستان 1386 ، ص 281-280 .
- 13- رجوع کنید : عبد الإله النشيط ، معجم المفردات المندائية في العامية العراقية ، 2019، ص 23-27.
- 14 -Thomason, S. G.. *Language Contact and Linguistic Change*. Oxford University Press ,(2001) , p 55 .
- 15- برای اطلاع بیشتر رجوع کنید به همان منبع قبلی ، ص 55-56 .
- 16- برای اطلاع بیشتر رجوع کنید به همان منبع قبلی ، ص 55 – 57 .
- 17 -Yadav, A. The Phonology of English and Hindi. Routledge. (2006) , p78 .
- 18 - Metwali, A. *The Influence of Arabic on Persian*, (2013) , p 92 .
- 19 - Jastrow, O. *Arabic Dialectology: The Case of Iraq* , p 102 .
- 20 -Thomason, S. G. *Language Contact and Linguistic Change*, p 58 .
- 21- رجوع کنید : علي، محمد رضا .علم الأصوات في اللغة الفارسية .طهران: جامعة طهران، 2001، ص 45-48.
- 22- رجوع کنید : صادقي، أحمد ، اللسانيات التطبيقية للغة الفارسية .مشهد: دار النشر الجامعي ، 2015، ص 89-92.
- 23- رجوع کنید: هاشمي، فاطمة. الأصوات في اللغة الفارسية .قم: مركز البحوث اللغوية، 2010، ص 120-123.
- 24 -Macuch, Rudolf. Handbook of Classical and Modern Mandaic. Berlin: Walter de Gruyter, 1965, pp. 23-25.
- 25 -Drower, Ethel S., and Macuch, Rudolf. A Mandaic Dictionary. Oxford: Clarendon Press, 1963, pp. 12-15.
- 26 -Häberl, Charles G. The Neo-Mandaic Dialect of Khorramshahr. Wiesbaden: Harrassowitz Verlag, 2009, pp. 45-47.
- 27 - Müller-Kessler, Christa. Studies in Mandaic Phonology. Leiden: Brill, 1999, pp. 67-69
- 28 -Macuch, Rudolf. Handbook of Classical and Modern Mandaic, pp. 34-35.
- 29 - Müller-Kessler, Christa. Studies in Mandaic Phonology , pp. 56-58.
- 30 -Häberl, Charles G. The Neo-Mandaic Dialect of Khorramshahr. Wiesbaden: Harrassowitz Verlag, 2009, pp 49-50.
- 31 -Drower, Ethel S., and Macuch, Rudolf. A Mandaic Dictionary, pp. 120-122.
- 32 - Macuch, Rudolf. Handbook of Classical and Modern Mandaic , pp. 45-46.
- 33- رجوع کنید : ولی الله ظفری ، چگونگی تأثیر پذیری زبانهای فارسی و عربی از یکدیگر ، پژوهشنامه علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی / شماره 37، 1382 ، ص 190 .
- 34- نگاه کنی : <https://ar.wikipedia.org/>

35- براى اطلاع بيشتر رجوع كنيد :

- علي الموسوي : التأثيرات الفارسية في اللهجات العراقية ، بغداد: دار النشر الجامعي، 2012، ص 33-35.

-Müller-Kessler, Christa. *Studies in Mandaic Phonology*. Leiden: Brill, 1999, pp. 45-47.

منابع

1. أبا زيد ، علي : علم الصوتيات: دراسة في الأصوات اللغوية، دار الفكر العرب ، 2010 .
2. بهمن فر، مهرداد : تأثير زبان فارسی بر گویش های عربی جنوب عراق ، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، 2018.
3. الجوهري، محمد : اللغات الفارسية (تطورها وتأثيراتها الثقافية)، دار النهضة العربية، 2005 .
4. حجازي، علي : الصوتيات في اللغات: تحليل تطبيقي ، دار الكتاب الجامعي ، 2012 .
5. الخزرجي، حيدر محمود . الأثر الآرامي والفارسي في لهجات العراق، بغداد: دار الرافدين، 2021 .
6. رائي ، محسن : تأثير زبان وادب فارسی در زبان وادب عربی ، پژوهشنامه علوم انسانی ، شماره 54، تابستان 1386.
7. السعدي ، قيس مغشغش : معجم المفردات المندائية في العامية العراقية ، ط 1 ، بيروت/ لبنان ، 2019 .
8. _____ : الصابئة المندائيون (الوجود والموروث) ، ط 1 ، مؤسسة ابجد للترجمة والنشر والتوزيع ، 2024 .
9. صادقي، أحمد : اللسانيات التطبيقية للغة الفارسية . مشهد: دار النشر الجامعي ، 2015 .
10. ظفري ، ولي الله : چگونگی تأثیر پذیری زبانهای فارسی و عربی از یکدیگر ، پژوهشنامه علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی / شماره 37، 1382.
11. علي، محمد رضا : علم الأصوات في اللغة الفارسية . طهران: جامعة طهران، 2001.
12. لفته ، عبد ربه و عوده ، خالد كامل : القاموس المندائي ، بلا ط ، 2004 .
13. الموسوي، علي : التأثيرات الفارسية في اللهجات العراقية . بغداد: دار النشر الجامعي، 2012 .
14. النشيط ، عبد الإله : معجم المفردات المندائية في العامية العراقية ، بلا ط ، 2019 .
15. هاشمي، فاطمة : الأصوات في اللغة الفارسية . قم ، مركز البحوث اللغوية ، 2010 .
16. Drower, Ethel S., and Macuch, Rudolf. *A Mandaic Dictionary*. Oxford: Clarendon Press, 1963 .
17. Häberl, Charles G. *The Neo-Mandaic Dialect of Khorramshahr*. Wiesbaden: Harrassowitz Verlag, 2009 .
18. Jastrow, O. *Arabic Dialectology: The Case of Iraq*. Oxford University Press ,(2004) .
19. Lloyd, S. , *The Mandaean Religion: A Historical Overview*. Brill ,(2005) .
20. Macuch, Rudolf. *Handbook of Classical and Modern Mandaic*. Berlin: Walter de Gruyter, 1965
21. Metwali, A. *The Influence of Arabic on Persian*, (2013) .
22. Müller-Kessler, Christa. *Studies in Mandaic Phonology*. Leiden: Brill, 1999 .

23. Thomason, S. G. Language Contact and Linguistic Change , Oxford University Press , (2001) .
24. Windfuhr, G.. The Persian Language. Cambridge University Press. (2009) .
25. Yadav, A. The Phonology of English and Hindi. Routledge. (2006) .
26. <https://ar.wikipedia.org/>